سه‌شنبه ۸ مهر ۱۴۰۴
شماره ۴۵۱۸
FARHIKHTEGANDAILY.COM
FARHIKHTEGANONLINE

سیّد عطاءالله مهاجرانی در گفت‌وگو با «فرهیختگان» از وضعیت لبنان در گذشته و حال می‌گوید

درسی که آیت‌الله خامنه‌ای از رمان «گوژپشت نُتردام» به حریری داد

محمد رضایتی
عضو شورای سردبیری

یک سال گذشت... از آن جمعه پر از اندوه... نزدیک به ۱۰۰ تن بمب در گوشه‌ای از ضاحیه بیروت، نه ضاحیه که قلب همه‌مان را سوزاند. چند ماه بعد در اسفندماه، بیروت میزبان مراسمی بود که بسیاری از حاضران، هنوز یاد و خاطره آن را با خود دارند؛ تشییع پیکر مطهر شهیدان مقاومت. امسال در نخستین سالگرد آن واقعه، بسیاری راهی بیروت شده‌اند. من نیز به بیروت آمدم تا روایتی از این مراسم بنویسم. واقعیت این است که شهادت سیدحسن نصرالله، نه پایان یک مسیر، بلکه آغاز مرحله‌ای جدید از حضور و تأثیر حزب‌الله در صحنهٔ لبنان و خاورمیانه است. در حاشیه این مراسم، با سیدعطاالله مهاجرانی، وزیر اسبق فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت‌وگویی درباره سیدحسن، حزب‌الله و جایگاه آن در لبنان امروز داشتیم. در این گفت‌وگو، مهاجرانی ضمن بازخوانی خاطرات و مشاهدات میدانی، به تحلیل ساختار سازمانی، پشتوانه مردمی و استراتژی مقاومت حزب‌الله پرداخت و روشن کرد که این جنبش، حتی در مواجهه با فقدان فرماندهان برجسته و فشارهای خارجی همچنان با انسجام و قدرت نقش خود را در صحنهٔ لبنان حفظ کرده است. پرسش اصلی این است؛ یک سال پس از شهادت سیدحسن نصرالله، حزب‌الله چگونه ایستاده و چه پیام‌هایی برای آینده لبنان و منطقه دارد؟ متن این گفت‌وگو را در ادامه از نظر می‌گذرانید.

شما سال گذشته در مراسم تشییع پیکر مطهر شهدای مقاومت حضور داشتید. امسال هم برای مراسم سالگرد آن‌ها به بیروت آمده‌اید؛ من در کتابی با عنوان «خسوف در بیروت» روایت شما از مراسم سالگرد شهادت سیدحسن نصرالله را خواندم، در آنجا تعابیر بسیار زیبایی به‌کار برده‌اید، به‌ویژه در بخشی که به پرچم‌های زرد با تعبیری از آیات قرآن و زیارت جامعهٔ کبیره اشاره می‌کنید. اما شهادت سیدحسن نصرالله برای همهٔ جوانانی که او را برقهرمان زندگی خود می‌دانستند، بسیار سنگین بود و به‌نوعی، فرو ریختیم. سؤال من این است که شما یک سال پس از این اتفاقات، وضعیت حزب‌الله را چگونه می‌بینید؟ شما هم در مراسم تشییع و هم در مراسم سالگرد حضور داشته‌اید، برای من بسیار مهم است که ارزیابی‌تان را از وضعیت حزب‌الله یک سال پس از شهادت سیدحسن نصرالله بشنوم.

کتاب «خسوف در بیروت» منتشر شده و حاوی مقالات ارزشمندی است. بسیاری از نویسندگان این مقالات، خود در فضای تشییع پیکر شهید سیدحسن نصرالله، سید هاشم صفی‌الدین و دیگر شهدا حضور داشتند و آن فضا را از نزدیک لمس کرده‌اند؛ بنابراین، روایت‌ها، روایاتی زنده و مبتنی‌بر حسی نزدیک از آن مراسم است. من نیز بحمدالله، هم در آن مراسم و هم در مراسم دیروز حضور داشتم.

نکتهٔ اولی که می‌توانم بیان کنم این است که شهادت به‌منزلهٔ فروریختن نیست. ما به لحاظ نظری، شهادت را نوعی «به‌دست‌آوردن» تلقی می‌کنیم، نه «از دست‌دادن». شهید کسی نیست که از دست می‌رود؛ این تنها ظاهر ماجراست. در حقیقت، او کسی است که به دست می‌آید و به حیاتی دیگر دست می‌یابد که آن حیات، بسیار گسترده‌تر از زندگی ظاهری ماست. قرآن مجید نیز می‌فرماید: «يَعْلَمُونَ ظَاهِرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ» (آنان تنها ظاهری از زندگی دنیا را می‌دانند و از صورت دیگر زندگی غافل هستند) این آیه که از زیباترین آیات قرآن است، بیان می‌کند که برخی تنها ظاهر زندگی را می‌بینند و از حقیقت باطنی آن که همان حیات اخروی است، غافل هستند. بنابراین، زندگی دارای ظاهر و باطن است. از این منظر، سیدحسن نصرالله از دست نرفته است.

برای این سخن، قرینه‌ای نیز دارم. سال گذشته که برای مراسم تشییع در بیروت بودم، در هتلی که اقامت داشتم، یکی از جانبازان حادثهٔ «پیجر» را ملاقات کردم؛ با انگشتانی قلم‌شده، یک چشم نابینا و چشمی دیگر که آسیب دیده بود. پس از آشنایی و گفت‌وگو، از او دربارهٔ حال‌وهوای پس از شهادت سیدحسن نصرالله پرسیدم. او گفت: «ما در سنگرهای مقاومت در جنوب لبنان بودیم. سیدحسن نصرالله فرمانده ما بود و از بیروت دستور می‌داد و ما به‌عنوان سربازان او عمل می‌کردیم. اما پس از شهادتش، او از بیروت به سنگر ما آمد؛ اکنون کنار ماست و من حضورش را احساس می‌کنم.» این نگاه و تفسیر شگرف، به‌خوبی نشان می‌دهد که این شهادت، یک خسران نیست.

نکتهٔ دوم، حضور پرشور مردم لبنان است. از آنجا که در مقاله‌ام در کتاب «خسوف در بیروت» به این موضوع پرداخته‌ام، از تکرار آن پرهیز می‌کنم. واکنش مردم لبنان را می‌توان با کلام خود سیدحسن نصرالله تفسیر کرد که آنان را «یا اشرف‌الناس و یا اطهرالناس» (ای شریف‌ترین و پاک‌ترین مردم) خطاب می‌کرد. مردم لبنان نیز در عمل، وفاداری و دلبستگی عمیق خود را به این راه به اثبات رساندند. ضمناً مجموعهٔ یادداشت‌های مربوط به بیروت، از جمله مشاهدات همین سفر اخیر را ان‌شاءالله در قالب کتابی با عنوان «بیروت: جهان دیگر» منتشر خواهم کرد که بخشی از آن پیش‌تر در روزنامهٔ اعتماد به چاپ رسیده است.

نکتهٔ سوم، حفظ انسجام و قدرت سازمان رزم حزب‌الله است. برخلاف تصور اسرائیل، این سازمان با وجود شهادت فرماندهان برجسته‌ای همچون سیدحسن نصرالله و سید هاشم صفی‌الدین، تضعیف نشده و همچنان استوار است؛ همان‌گونه که در جنگ ۱۲ روزه نیز اسرائیل گمان می‌کرد با هدف قراردادن فرماندهان نظامی ما، ایران متوقف خواهد شد، اما توانایی‌های نظامی به‌سرعت با جایگزینی نیروها ترمیم شد. من در مصاحبه‌ای با برنامهٔ «راهبرد» نیز اشاره کردم که بسیاری از این فرماندهان، در سن بازنشستگی نظامی قرار داشتند، اما در اوج عزت و افتخار به شهادت رسیدند. این نشان می‌دهد که سازمان رزم حزب‌الله پویا و پابرجاست. یکی از نشانه‌های بارز این پویایی، سازماندهی و نظم مثال‌زدنی مراسم دیروز بود که حیات و کارآمدی یک تشکیلات را آشکار می‌سازد.

نکتهٔ چهارم اهمیت سخنرانی شیخ نعیم قاسم است. سخنرانی او، تبیین و تفسیری دقیق از مبانی نظری و راهبردهای حزب‌الله بود و از این جهت، اهمیت بسیار زیادی دارد.

این چهار نکته در مجموع نشان می‌دهد که حزب‌الله از نظر ساختار سازمانی، پشتوانهٔ مردمی، مبانی نظری و داشتن چشم‌اندازی روشن برای آیندهٔ لبنان، همچنان حضوری قدرتمند و انکارناپذیر دارد. دشمنان گمان می‌کردند با شهادت سیدحسن نصرالله و فرماندهان دیگر و یا با حذف حدود چهارهزار نفر از نیروهای حزب‌الله در حادثهٔ پیجر، می‌توانند این جریان را تضعیف کنند. اما آن مجروحان درمان شدند و به صحنه بازگشتند؛ چنان‌که در فیلم‌های جبههٔ جنوب، دست رزمنده‌ای را می‌بینیم که با همان انگشتان قطع‌شده در حادثهٔ پیجر، روی ماشه قرار دارد. این مجموعه شواهد ثابت می‌کند که با وجود تمام بدخواهی بدخواهان، دشمنی‌ها و فشارهای آمریکا، اسرائیل و کشورهای عربی هم‌پیمانشان در فشار به اهل سنت منطقه، حزب‌الله حقیقتی است که نمی‌توان آن را انکار کرد.

آیا دربارهٔ وضعیت بدنهٔ اجتماعی حزب‌الله نیز همین طور است؟

همین‌طور است. همان‌طور که در بخش نخست نیز اشاره کردم، تحلیل ما مبتنی بر پژوهش‌های میدانی جامعه‌شناختی یا نمونه‌گیری آماری نیست؛ بلکه برآمده از مشاهدهٔ شاخص‌های اجتماعی مانند میزان حضور مردم در راهپیمایی‌ها، فضای حاکم بر رسانه‌ها و تحلیل مقالات است.

بر این اساس، معتقدم اگر حزب‌الله پشتوانهٔ اجتماعی خود را از دست داده بود، نمی‌توانست مواضعش را با چنین صراحت و قدرتی اتخاذ کند؛ بلکه ناگزیر به محافظه‌کاری یا دادن امتیاز می‌شد. از آنجا که ما هیچ نشانه‌ای از عقب‌نشینی یا محافظه‌کاری در رویکرد این جنبش نمی‌بینیم، می‌توان نتیجه گرفت که این ظرفیت و پایگاه اجتماعی همچنان پابرجاست. علاوه‌بر این، گفته می‌شود که سازمان رزم حزب‌الله، از جمله تیپ رضوان، پس از شهادت سیدحسن نصرالله حتی توسعهٔ کمی و کیفی بیشتری نیز یافته است که این خود مستلزم وجود بدنهٔ اجتماعی فعال و آماده به همکاری است.

برخی این نقد را مطرح می‌کنند که در این یک سال، عملیات رزمی خاصی از سوی حزب‌الله صورت نگرفته است، درحالی‌که اسرائیل به حملات خود ادامه می‌دهد؛ چنان‌که امروز نیز شنیدیم جنوب لبنان را هدف قرار داده است.

من نمی‌توانم به این پرسش پاسخ دقیقی بدهم، زیرا اطلاعات کاملی در دست نداریم و باید تمام جوانب موضوع را سنجید. اما یک تفسیر محتمل می‌تواند این باشد که اسرائیل قصد دارد با انجام عملیات تحریک‌آمیز، زمینه را برای یورشی جدید به لبنان و اشغال مناطق بیشتر فراهم کند. در چنین شرایطی، ممکن است راهبرد حزب‌الله این باشد که با خویشتن‌داری، به دولت لبنان و مخالفان داخلی خود نشان دهد که با وجود صبر مقاومت این اسرائیل است که همچنان نقش متجاوز را ایفا می‌کند.

این روزها، فشارهای بسیاری برای خلع سلاح حزب‌الله در جریان است؛ از سویی اظهارات نماینده آمریکا را هم می‌بینیم که با لحنی گستاخانه صحبت می‌کند اما دیروز من در ضاحیه، پوستر جالبی را دیدم که به موضوع خلع سلاح می‌پرداخت و در آن، سلاح به‌شکل درختی ریشه‌دار در خاک ترسیم شده بود و به‌وضوح موضع مقاومت را در این باره نشان می‌داد. ارزیابی شما در این باره چیست؟

مسئلهٔ سلاح حزب‌الله، مشابه مسئلهٔ توان هسته‌ای و موشکی ایران است. همان‌گونه که آمریکا، اسرائیل و کشورهای اروپایی معتقدند ایران نباید توانمندی هسته‌ای داشته باشد. – هر چند ما سلاح هسته‌ای نداریم و نمی‌خواهیم داشته باشیم – و می‌گویند شما نباید اورانیوم غنی‌شده یا توان موشکی داشته باشید، همان منطق را دربارهٔ حزب‌الله به‌کار می‌برند. طبیعی است که ایران به‌عنوان یک کشور مستقل نمی‌تواند چنین شروطی را بپذیرد؛ این‌ها پذیرفتنی نیست.

سلاح حزب‌الله یک ضرورت دفاعی است که ریشه در تاریخ دارد. در سال ۱۹۸۲، ارتش اسرائیل بیروت را اشغال کرد و ژنرال شارون، هتل الکساندر را به دفتر فرماندهی خود بدل ساخت. در پی آن اشغال، قتل‌عام فلسطینیان و لبنانی‌ها در صبرا و شتیلا رخ داد و حزب‌الله در واکنش به همین تجاوز شکل گرفت. نخستین دستاورد بزرگ شکل‌گیری حزب‌الله، وادارکردن اسرائیل به عقب‌نشینی از جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ بود. سپس در جنگ سال ۲۰۰۶ نیز این حزب‌الله بود که مانع از اشغال مجدد لبنان توسط اسرائیل شد.

در این زمینه، تمثیلی که آیت‌الله خامنه‌ای به‌کار برده‌اند، بسیار درخشان و راه‌گشاست. سعد حریری، نخست‌وزیر وقت لبنان به‌همراه هینتی از وزرا از جمله طارق متری (وزیر فرهنگ لبنان) برای ملاقات با ایشان به ایران سفر می‌کند. پیش از ملاقات، هینت لبنانی با یکدیگر مشورت کرده و تصمیم می‌گیرند که مسئلهٔ لزوم خلع سلاح حزب‌الله را به‌عنوان موضوعی مخالف حاکمیت ملی لبنان، با رهبر ایران مطرح کنند. اما وقتی جلسه آغاز می‌شود، آیت‌الله خامنه‌ای گفت‌وگو را این‌گونه آغاز می‌کنند: «جناب نخست‌وزیر، آیا شما رمان «گوژپشت نتردام»، اثر ویکتور هوگو را خوانده‌اید؟ سپس ادامه می‌دهند: در آن رمان، خانمی به‌نام اسمرالدا حضور دارد که زیباترین زن پاریس است. به سبب همین زیبایی خیره‌کننده، تمام قدرتمندان و اوباش شهر در پی به‌دست‌آوردن او هستند. اما این زن همواره دشنه‌ای با دستهٔ صدفی و تیغه‌ای الماس‌گون و بُرنده با خود حمل می‌کند و همه می‌دانند که در استفاده از آن برای دفاع از خود تردید نخواهد کرد. همین دشنه سبب می‌شود که با وجود تمام جذابیتش، کسی جرئت تعرض به او را نداشته باشد. آیت‌الله خامنه‌ای سپس نتیجه می‌گیرند: جناب نخست‌وزیر، لبنان همچون اسمرالدا زیباست و سلاح حزب‌الله، همان دشنهٔ محافظ اوست. این دشنه را برای حفاظت از لبنان نگه دارید.» این نگاه از دوران نخست‌وزیری سعد حریری تا به امروز ادامه داشته است. دشمنان گمان می‌کردند پس از شهادت سیدحسن نصرالله، سید هاشم صفی‌الدین، فرماندهان تیپ رضوان و دیگر فرماندهان نظامی و همچنین پس از حادثهٔ پیجرها، زمان آن فرارسیده است که حزب‌الله سلاح خود را کنار بگذارد. اما پاسخ حزب‌الله به این تصورات، قاطع بود. چنان‌که شیخ نعیم قاسم در مراسم دیروز صراحتاً اعلام کرد: «سلاح حزب‌الله، هویت حزب‌الله است و اگر کسانی بخواهند این هویت را از ما بگیرند، نبردی کربلایی به‌راه خواهیم انداخت.» پیام این سخن روشن است: سلاح مقاومت تسلیم نمی‌شود.

شاهد دیگر این مدعا، وضعیت جاری است. همین امروز صبح که در یکی از پارک‌های مناطق شیعه‌نشین قدم می‌زدیم، پهپادهای شناسایی اسرائیل با آن صدای قارقار خود بر فراز آسمان در پرواز بودند. اگر ارتش لبنان توانایی مقابله با این تجاوزهای روزمره را دارد، چرا جلوی آن‌ها را نمی‌گیرد؟ اگر ارتش لبنان قدرتمند است، چرا پنج منطقه‌ای را که همچنان در اشغال اسرائیل است، آزاد نمی‌کند؟ حقیقت آن است که ارتشی ضعیف و ناتوان در برابر این تجاوزها قرار داده شده است. چرا آمریکا، فرانسه و دیگر کشورها سامانه‌های پدافند هوایی در اختیار ارتش لبنان قرار نمی‌دهند تا مانع از بمباران‌های جنگنده‌های اسرائیلی شوند؟ این واقعیت‌ها نشان می‌دهد که مسئله سلاح حزب‌الله را نمی‌توان با فشار و زور حذف کنند، زیرا این سلاح ضامن امنیت لبنان در برابر ارتشی است که عمداً ضعیف نگاه داشته شده است.

در مراسم تشییع، پوستر تأثیرگذاری را دیدم که توسط بانوان مسیحی طراحی شده بود. در یک گوشهٔ آن، تصویر سیدحسن بود و در گوشهٔ دیگر، نمادی از مسیح مصلوب قرار داشت و زیر آن نوشته بودند: «به مسیحنا و به اِنجیلنا، لبیک یا نصرالله.» این نمونه‌ای از همبستگی گروه‌های مختلف با حزب‌الله است. شما در کتاب «خسوف در بیروت» به سه‌دلیل اصلی اشاره کرده‌اید که چگونه حزب‌الله توانست چنین جمعیت متکثری را در لبنان حول محور خود متحد کند. یکی از آن دلایل مشابهت دیدگاه‌های سیدحسن نصرالله و حاج قاسم سلیمانی بود. اگر امکان دارد، آن دلایل را بازگو کنید و بفرمایید ما چه دریافتی می‌توانیم از این تجربه داشته باشیم.

سیدحسن نصرالله بسیار هوشمندانه، نه به‌عنوان رهبر شیعیان یا حتی مسلمانان، بلکه همواره در جایگاه یک رهبر ملی برای تمام لبنان سخن می‌گفت. حوزهٔ مخاطبان او فراتر از امت حزب‌الله بود؛ او چهره‌ای جامع و ملی از خود به نمایش گذاشت و بر همین اساس، با مسیحیان هم‌پیمان شد. برای نمونه، حزب‌الله در انتخابات پارلمانی از نامزدهای مسیحی حمایت می‌کرد یا در مسئلهٔ ریاست‌جمهوری که طبق «پیمان طائف» باید در اختیار یک مسیحی باشد، از نامزدهای موردنظر خود در میان آنان پشتیبانی می‌کرد.

من شخصاً نیز در ملاقات با برخی از رهبران مسیحی لبنان، این رویکرد مثبت را نسبت به حزب‌الله مشاهده کرده‌ام؛ نگاهی که از منظر ملی‌گرایی و استقلال‌طلبی آنان نشئت می‌گرفت. سیدحسن نصرالله به‌خوبی دریافته بود که مردم لبنان خواهان حاکمیت ملی، استقلال و عدم مداخلهٔ بیگانگان در امور کشورشان هستند. از این رو، طبیعی است که مسیحیان نیز با استفاده از نمادها و تعابیر خود به این نهضت ملی بپیوندند؛ به‌ویژه آنکه مفهوم «شهادت» که در شهادت حضرت مسیح (ع) و شهادت سیدحسن نصرالله تجلی می‌یابد، نقطهٔ اشتراک و پیوند عمیقی میان این دو گروه ایجاد کرده است.

سرآغاز آشنایی من با حاج‌قاسم سلیمانی به یک تماس تلفنی از سوی آقای مجید انصاری، معاون حقوقی وقت رئیس‌جمهور بازمی‌گردد. من و آقای انصاری از دورهٔ مجلس اول که در سال ۱۳۵۹ هر دو عضو هیئت‌رئیسه بودیم، با یکدیگر دوستی داشتیم. ایشان تماس گرفتند و پیامی از طرف حاج‌قاسم سلیمانی برای من نقل کردند؛ مبنی بر اینکه ایشان کتاب «حاج‌آخوند» من را مطالعه و بسیار پسندیده‌اند و نسخه‌های متعددی از آن را تهیه کرده و به دوستانشان هدیه می‌دهند. این لطف ایشان، مقدمه‌ای برای آشنایی ماشد و محبتشان همواره در ذهن من باقی ماند. مدتی بعد، در سفری به بیروت که مصادف با ماه محرم بود، در جمعی از دوستان، علاقهٔ خود را برای سفر به دمشق و زیارت حرم حضرت زینب (س) ابراز کردم. در آن زمان، به‌دلیل حضور داعش و دیگر گروه‌های تروریستی، سوریه شرایط کاملاً جنگی داشت و سفر به آنجا به‌شکل معمول ممکن نبود. دوستان این درخواستم را به حاج‌قاسم رساندند و ایشان نیز دستور پیگیری دادند. در نتیجه، همکاران ایشان در بیروت مقدمات سفر به دمشق را فراهم کردند و من یک شب به آنجا رفته، زیارت کردم و بازگشتم. این سفر، زمینهٔ ارتباط بیشتر را فراهم آورد. پس از آن زیارت، کتابی با عنوان «جرعه‌ای از جام عاشورا» منتشر و آن را به شهید حاج‌قاسم سلیمانی تقدیم کردم. این کتاب که تفسیری بر زیارت عاشوراست، از دو منظر جلد سوم یک سه‌گانه محسوب می‌شود: نخست، جلد سوم سه‌گانهٔ «حاج‌آخوند» است که دو جلد پیشین آن «حاج‌آخوند» و «شیخ خانقاه» بودند؛ و دوم، جلد سوم سه‌گانهٔ عاشورایی من پس از کتاب‌های «پیام‌آور عاشورا» و «انقلاب عاشورا» به‌شمار می‌آید.

این ارتباط که با لطف و بزرگواری حاج‌قاسم آغاز شده بود، با شهادت ایشان مجالی برای تداوم بیشتر نیافت. به‌باور من، حاج‌قاسم سلیمانی صرفاً یکی از فرماندهان سپاه در کنار دیگر فرماندهان نبود؛ او پدیده‌ای بود که به یک نماد و قهرمان ملی بدل شد. سخنان باقی‌مانده از او نیز عصارهٔ فرهنگ، تمدن و حکمت ایرانی–اسلامی است. برای مثال، این جملهٔ ایشان که: «در فکر دیده‌شدن نباشید؛ آن‌کس که باید ببیند، می‌بیند»، چکیدهٔ تمام معارف اسلامی ما در باب اخلاص است. اگر بخواهیم تمامی آیات، احادیث و سیره را برای ارائهٔ یک سبک زندگی خلاصه کنیم، یکی از بهترین نمودهایش همین جمله خواهد بود. او چنین شخصیتی و قهرمان ملی ما بود و مردم نیز بحمدالله در مراسم تشییع و با حضور بی‌وقفه در مزارش حق مطلب را ادا کردند. رحمت‌الله علیه.

بسیار سپاسگزارم. به‌عنوان آخرین پرسش، با توجه به اینکه حضور امسال شما در لبنان با سخنرانی بنیامین نتانیاهو در سازمان ملل و حواشی آن، از جمله خروج سران کشورها، هم‌زمان شد، مایلم نظر شما را در این باره جویا شوم؛ به‌ویژه آنکه حدود ده‌سال پیش نیز در شرایطی مشابه، شما تحلیلی بر سخنان او داشتید.

من سخنرانی نتانیاهو را دنبال نکردم. از زمانی که به لبنان آمدم، تمام تمرکزم بر فضای اینجا بوده و فرصت پیگیری آن سخنرانی را نداشتم.

مجری انحصاری تبلیغات دانشگاه آزاد اسلامی
کانون تبلیغاتی سپهر جوان
۰۹۳۹۸۸۸۸۶۹۹

آگهی فراخوان پروژه سرمایه‌گذاری و مشارکتی شهرداری مراغه «مرحله دوم – نوبت دوم»

شهرداری مراغه به استناد آیین‌نامه مالی موضوع ماده (۱) قانون درآمد پایدار و هزینه شهرداری‌ها مصوبه مورخ ۱۴۰۱/۱۲/۲۰ هیئت محترم وزیران و مجوز شماره شورای اسلامی شهر در نظر دارد نسبت به جذب سرمایه‌گذاران حقیقی و حقوقی واجد شرایط در زمینه سرمایه‌گذار و مشارکت بخش خصوصی در تجهیز و بهره‌برداری از کارخانه تولیدات قطعات بتنی شماره ۲ با نظارت شهرداری مراغه با حجم سرمایه‌گذاری ۲۷۸۶۳۵ میلیون ریال با مدت بهره‌برداری ۹ سال و شش ماه به صورت BOLT (ساخت، بهره‌برداری، اجاره و انتقال) به شرط اموال منقول با حق‌السهم پایه ۵۱ درصد برای شهرداری از کل درآمد خالص حاصل از فروش قطعات در سال که با جلب نظر کارشناسی قابل معادل‌سازی به صورت اجاره ماهانه بوده، در چهارچوب مشارکت‌های عمومی به شرح جدول ذیل اقدام نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد فراخوان و شرکت در فراخوان از تاریخ انتشار آگهی فراخوان مرحله دوم نوبت اول و دوم به مدت ۱۷ روز جهت خرید و تحویل اسناد فراخوان (تا ساعت ۱۳ روز شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۱۲) به واحد سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های عمومی شهرداری مراغه واقع در خیابان قدس – شهرداری مراغه – طبقه اول مراجعه و اسناد فراخوان دریافت و تحویل نمایید. واحد سرمایه‌گذاری و مشارکت‌های عمومی و واحد امور قراردادها و در وقت اداری به جز روزهای تعطیل آماده پاسخگویی به شرکت‌کنندگان محترم هستند.

ردیف	عنوان پروژه	سهم پایه شهرداری	سپرده شرکت در فراخوان (ریال)	مدت قرارداد	روش سرمایه‌گذاری
۱	تجهیز و بهره‌برداری از کارخانه تولیدات قطعات بتنی شماره ۲	٪۵۱ از کل درآمد خالص	۷/۰۳۰/۵۰۰/۰۰۰ ریال	۹ سال و شش ماه	BOLT

۱– در مشارکت BOLT کلیه هزینه‌های احداث صفر تا صد پروژه بر عهده سرمایه‌گذار خواهد بود.
۲– شهرداری مراغه به استناد بند ۵ ماده ۵ آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها در رد یا قبول پیشنهادات مختار است.
۳– سپرده نفرات اول تا سوم تا انجام تشریفات قانونی فراخوان و عقد قرارداد با نفر اول مسترد نخواهد شد. ضمناً در صورت انصراف هر یک از شرکت‌کنندگان سپرده آنان به ترتیب به استناد ماده ۸ آیین‌نامه مالی شهرداری‌ها به نفع شهرداری ضبط و از نفر دوم و سوم به ترتیب دعوت به عقد قرارداد خواهد گردید.
۴– هزینه درج آگهی در دو نوبت و هزینه مطالعات فنی و اقتصادی و کارشناسی بر عهده برنده فراخوان می‌باشد.
۵– سایر شرایط و جزئیات و اطلاعات در اسناد مناقصه قید شده است.

شهرام مروتی
شهردار مراغه

آگهی مزایده عمومی

دانشگاه آزاد واحد سراب در نظر دارد یک قطعه زمین به مساحت ۳۳۰۰ مترمربع واقع در سراب جاده اردبیل جنب شرکت نفت را از طریق مزایده عمومی به واجدین شرایط واگذار نماید؛ متقاضیان جهت دریافت اسناد مزایده از تاریخ درج در آگهی با مدت ده روز کاری به امور اداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد سراب مراجعه نمایند.
شماره تماس ۰۹۱۲۴۷۷۷۶۱۰

آگهی مزایده

دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسکو در نظر دارد سالن بوفه دانشکده سهند به متراژ یکصد متر را از طریق مزایده عمومی به فروش برساند، لذا از کلیه متقاضیانی که مایل به شرکت در مزایده هستند، دعوت می‌شود با مراجعه به واحد دانشگاهی و دریافت سایر اطلاعات مزایده، نسبت به تهیه اسناد اقدام و همچنین در صورت تمایل جهت بازدید از موضوع فراخوان در مورخ ۱۴۰۴/۰۷/۰۸ از ساعت ۸ الی ۱۳ با معرفی نماینده به آدرس سهند – فاز دو – میدان شهرداری – خیابان سما اول – فرعی هشتم – مجتمع دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسکو – دانشکده سهند اقدام نمایند.
شایان‌ذکر است دانشگاه در رد یا قبول پیشنهادات دریافتی مخیر بوده و همچنین هزینه چاپ آگهی بر عهده شخص برنده مزایده می‌باشد.
تلفن تماس: ۳۳۲۲۱۱۰۰-۰۴۱
روابط‌عمومی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اسکو

فرهیختگان صدای نخبگان، نگاه جوانان
FARHIKHTEGAN
farhikhteganonline
WWW.FDN.IR روزنامه فرهیختگان